



ترازوهای نامیزان نقد ادبی در موطن شهریارها/ اعمال سلیقه های منتقدان ادبی باعث تنزل جایگاه ادبی

نقد ادبی در آذربایجان پیشینه قدیمی و تاریخی دارد و بر اساس مستندات و اظهارات کارشناسان می توان گفت که نویسنده ها و شعرای آذربایجانی بنیانگذاران نقد ادبی در ایران بوده اند که در حال حاضر عواملی مانند

نقد ادبی در آذربایجان پیشینه قدیمی و تاریخی دارد و بر اساس مستندات و اظهارات کارشناسان می توان گفت که نویسنده ها و شعرای آذربایجانی بنیانگذاران نقد ادبی در ایران بوده اند که در حال حاضر عواملی مانند کم سوادی برخی از منتقدان و همچنین آلوده شدن نقد به چاپلوسی و تملق گویی به تضعیف این مولفه مهم در آذربایجان به عنوان یکی از مهمترین اقطاب ادبیات ایران شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، در بسیاری از کشورها کتاب ها قبل از به چاپ رسیدن توسط منتقدان ادبی متخصص نقد و بررسی می شود، متأسفانه در ایران و به تبع آن در آذربایجان با توجه وجود موانع و محدودیت ها برای نقد اشعار و کتاب ها قبل از چاپ موجب شده است که کتاب هایی با تیراژ بالا اما بدون محتوا چاپ شود که این امر باعث می شود که این کتاب ها مخاطبی برای خود نداشته باشند.

شکاف بین نسل ها یکی دیگر از مشکلاتی است که باعث اختلاف این دو نسل در عرصه نقد می شود که هیچ یک از آنها به علت اینکه همدیگر را قبول نمی کنند، این امر باعث شده است که شعرا و نویسندگان جوان از انتقاد منتقدان ادبی دوری کنند. بر اساس این گزارش، برای نقد ادبی کتاب های چاپ شده محل مناسبی وجود ندارد و در این زمینه جمهوری آذربایجان چهار نشریه نقد ادبی دارد، اما متأسفانه در آذربایجان شرقی هیچ نشریه ای برای نقد ادبی اختصاص داده نشده است و نشریات در این استان نیز به علت کمبود منابع مالی به آگهی نامه تبدیل شده اند.

تنزل جایگاه نقد ادبی در آذربایجان شرقی علت های زیادی از جمله نبود مخاطب حرفه ای دارد که این امر ضرورت دارد که بررسی شود، چرا که نقد ادبی در صورت تقاضای مخاطبان حاصل می شود و منتقدان ادبی را برای ارایه جواب و می دارد که متأسفانه این امر نشان دهنده دور شدن تدریجی مردم از ادبیات شده است.

نقد ادبی در جمهوری آذربایجان پیشینه تاریخی دارد

محقق و پژوهشگر رشته ادبیات جمهوری آذربایجان در گفتگوی تلفنی با خبرنگار مهر با بیان اینکه نقد ادبی در آذربایجان پیشینه تاریخی دارد، اظهار داشت: در حال حاضر نقد ادبی در جمهوری آذربایجان نسبت به زمان های گذشته تضعیف شده است.

اسمیرا فواد شوکور آوا افزود: در کشور آذربایجان کتاب ها، مقالات و اشعار قبل از چاپ نقد شده و پس از آن انتشار می یابد.

جمهوری آذربایجان دارای ۴ نشریه برای نقد آثار و اشعار ادبی

وی با بیان اینکه چهار نشریه در جمهوری آذربایجان برای نقد آثار و اشعار وجود دارد، ادامه داد: با توجه به اینکه در جمهوری آذربایجان چاپ کتاب از آزادی زیادی برخوردار است، این عامل باعث شده که نویسنده ها حتی پیشینه اعضای خانواده های خود را نیز در تیراژ بالا به چاپ برسانند.

فواد شوکور آوا خاطرنشان کرد: تعداد چاپ کتاب بیشتر از نقد آنهاست و با افزایش چاپ و نشر کتاب کیفیت مطالب کاهش می یابد.

وی کمبود تعداد منتقدان ادبی را در جمهوری آذربایجان یکی از اساسی ترین مشکلات شعرا و نویسندگان دانست و افزود: با توجه کمبود تعداد منتقدان ادبی اکثراً اشعار و کتاب ها بدون نقد چاپ می شوند و این امر یکی از مشکلات اساسی شعرا و نویسندگان این کشور است.

محقق و پژوهشگر رشته ادبیات جمهوری آذربایجان گفت: اگر آثار و اشعار قبل از چاپ به صورت تخصصی و اساسی نقد شود، مطمئناً اثرات با کیفیتی در کتاب های چاپ شده خواهیم داشت.

فواد شوکور آوا همچنین در ادامه افزود: در جمهوری آذربایجان و کشور ایران جوانان با آفرینش اثرهای فاخر جزو منتقدان نیز هستند و می توان گفت که بهتر از اساتید نقد ادبی نیز اثرها و اشعار را نقد می کنند.

وی با اشاره به نقاط قوت و ضعف آثار و اشعار ایرانیان گفت: در ایران اشعار قوی تر از نثر نوشته می شود، اما رمان ها نسبت به نثر خیلی قوی تر است.

شاعران ایرانی قویترین اشعار را در دنیا می نویسند

محقق و پژوهشگر رشته ادبیات جمهوری آذربایجان خاطرنشان کرد: اشعار ادبی کشور ایران به خصوص آذربایجان خیلی قوی تر است که می توان گفت شاعران ایرانی قویترین اشعار را در دنیا می نویسند.

فواد شوکور آوا همچنین در ادامه گفت: شعرا باید انتقادپذیر باشند، چرا که اشعار و اثرات بدون نقد کیفیت پایینی خواهند داشت، آنها باید با استقامت خود در این عرصه بتوانند بهترین ها را بیافرینند.

وی ابراز داشت: متأسفانه در جمهوری آذربایجان و همچنین ایران منتقدان ادبی بر اساس سلیقه های شخصی خود آثار و اشعار را نقد می کنند و اساتید نقد به جای انتقاد شعرا و نویسندگان را تعریف می کنند و نقد آنها بیشتر بر پایه چاپلوسی است.

محقق و پژوهشگر رشته ادبیات جمهوری آذربایجان تخصص در زمینه های مختلف را یکی از الزامات مهم برای اساتید نقد ادبی و کتاب دانسته و افزود: منتقدان آثار و اشعار باید علاوه بر ادبیات در دیگر زمینه ها نیز تخصص کافی داشته باشند تا بتوانند اشعار را از بعدهای مختلف نقد کنند.

فواد شوکور آوا افزود: این امر باعث خوشحالی است که شعرای جوان در زمینه های مدرنیسم و پست مدرنیسم تلاش می کنند و اشعار خود را در این قالب ها می نویسند و در بین نسل های جوان با قدیمی ها رقابت وجود دارد و این امر علاوه بر این کشورها در دیگر مناطق دنیا نیز حاکم است.

محقق و پژوهشگر رشته ادبیات جمهوری آذربایجان خاطرنشان کرد: رقابت بین شعرا و نویسندگان جوان و پیر با تفکرات مختلف در کشورها نگران کننده است و به نظر بنده باید جوانان با استفاده از نوشته های زمان های گذشته و حفظ شرایط زمان حال در نوشته های خود گذشته را پلی برای آینده در نظر بگیرند.

نبود مخاطب حرفه ای باعث تنزل جایگاه نقد در آذربایجان شرقی شده است

شاعر، نویسنده، محقق و منتقد ادبی تبریزی در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: امروزه نقد ادبی به عنوان شاخه ای از ادبیات مطرح است و کسانی که به عنوان منتقد ادبی وارد این حوزه می شوند، علاوه بر اینکه باید در حوزه های شعر شناسی و نثرشناسی متبحر باشند، باید در حوزه هایی همچون مکتب های ادبی، نظریه های ادبی، فلسفه ادبیات، تاریخ ادبیات، زبان شناسی، روانشناسی و علوم اجتماعی از دانش کافی برخوردار باشند.

محمد رحمانی فر ادامه داد: متأسفانه در کشور ما و به تبع آن در آذربایجان شرقی نقد ادبی جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است و نبود مخاطب حرفه ای باعث تنزل جایگاه نقد در آذربایجان شرقی شده است.

وی افزود: طبیعی است که اگر تقاضا از سوی مخاطبان حرفه ای در هر زمینه ای وجود داشته باشد، افرادی پیدا خواهد شد که برای پاسخ به این تقاضاها تلاش کنند و محصولات خود را عرضه نمایند، تقاضاهای بسیار محدود در این عرصه موجب شده است که تولید و عرضه بسیار ضعیف باشد.

ایرانیان ملتی با سابقه ذهنی شفاهی هستند

شاعر، نویسنده، محقق و منتقد ادبی تبریزی خاطرنشان کرد: متأسفانه ما ملتی با سابقه ذهنی شفاهی هستیم و به خواندن و نوشتن تمایل زیادی نداریم، بنده به عنوان یک منتقد ادبی در جلسات رونمایی کتاب یا نقد اشعار شرکت کرده ام و تجربه نشان داده که بسیاری از آنها که به عنوان منتقد ادبی پشت تریبون رفته اند، هیچ نوشته ای با خود نیاورده اند، کسی هم از آنها نخواست تا متن سخنرانی خود را ارایه کنند.

رحمانی فر همچنین در ادامه با بیان این مطلب افزود: دلیل دیگر این امر که می تواند متاثر از دلیل نخست باشد این است که متأسفانه افرادی که تخصص لازم در حوزه نقد ادبی ندارند، به خود اجازه می دهند که در محافل ادبی به عنوان منتقد ادبی به اظهار فضل بپردازند.

وی افزود: یک شاعر به صرف اینکه خوب شعر می گوید نمی تواند منتقد ادبی خوبی باشد و یا یک فارغ التحصیل رشته ادبیات بالاجبار با روشی که در دانشکده های ادبیات ما رایج است، به صرف اینکه دارای مدرک ادبیات هست نمی تواند منتقد خوبی باشد، چرا که اینگونه افراد آشنایی با عروض و قافیه و آرایه های ادبی را با نقد ادبی اشتباه می گیرند، آشنایی با این امور و همچنین آشنایی با لغات مهجور ادبیات در نهایت منجر به خواندن خوب اثر ادبی شده و در خوانش ادبی یا نقد ادبی تاثیری ندارد.

شاعر، نویسنده، محقق و منتقد ادبی تبریزی گفت: این امورات به عنوان پیش نیاز نقد ادبی می تواند بسیار مفید واقع شود ولی در هر حال نباید آنرا با نقد ادبی اشتباه گرفت.

اعمال سلیقه شخصی در مواجهه با اثر ادبی یکی از آسیب های نقد ادبی است

رحمانی فر با اشاره به آفت های نقد ادبی در آذربایجان شرقی گفت: از دیگر آفت های نقد ادبی داشتن زاویه دید یا به عبارتی اعمال سلیقه شخصی در مواجهه با اثر ادبی است که بنده بارها شاهد این امر بودم.

وی ابراز داشت: در نقد ادبی حتی کار به جایی رسیده است که حب و بغض های شخصی و ارتباطات فردی نیز در قضاوت های منتقدین ادبی ما وارد شده است، به باور عده ای از منتقدان، نقد ادبی اساساً دانش غربی است، هر چند در سابقه ادبی ما می توان به بن مایه های نقد ادبی دست یافت، ولی نمی توان منکر این امر شد که نقد ادبی به عنوان دانشی منسجم و مترقی در غرب تکامل یافت، بنابراین ما تئوری های ادبی را از غرب گرفته ایم و دقیقاً مشکل از همین جا آغاز می شود که برخی از منتقدان ادبی می خواهند با معیارهای کاملاً غربی به سنجش ادبیات ما بپردازند.

شاعر، نویسنده، محقق و منتقد ادبی تبریزی تصریح کرد: در غرب همگام با نقد ادبی سایر عرصه های ادبی همچون شعر و رمان نیز متحول شده است، این در حال است که ما در این عرصه فاصله زیادی با آنها داریم.

رحمانی فر گفت: بنابراین سنجش آثار نویسندگان و شاعران نو پای ما بر اساس این معیارها نمی تواند خالی از اشکال باشد، البته دقت شود که بنده ابداع نمی خواهم این معیارهای ادبی را نفی نمایم ولی در عین حال تاکید دارم که بایستی شرایط بومی و عینی جامعه ادبی خود را نیز مد نظر قرار دهیم.

وی خاطرنشان کرد: متاسفانه شاعران و نویسندگان ما از منتقدان ادبی انتظار چاپلوسی دارند و هر منتقدی که از چاپلوسی به دور باشد، باید منتظر تخریب ها و حاشیه سازی ها باشد.

شاعر، نویسنده، محقق و منتقد ادبی تبریزی همچنین در ادامه با بیان این مطلب افزود: این افراد در مواجهه با منتقدین چاپلوس وانمود می کنند که برای نقد ادبی ارزش زیادی قائل هستند، اما نیت واقعی آنها زمانی آشکار می شود که با یک منتقد حرفه ای مواجه شوند، واضح است که در چنین اوضاعی نمی توان از نقد ادبی بیش از این انتظار داشت.

نقد ادبی آشکارسازی پیوند ارگانیک اجزای تشکیل دهنده یک متن ادبی برای بیان معنای نهفته در آن است

یکی از اساتید دانشگاه رشته ادبیات در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه نقد ادبی پدیده‌ای اجتماعی است، اظهار داشت: نقد ادبی آشکارسازی پیوند ارگانیک اجزای تشکیل دهنده یک متن ادبی برای بیان معنای نهفته در آن است.

عبداله باقری حمیدی با تاکید بر اینکه هدف نقد ادبی باید تولید یک مقاله باشد، افزود: منتقد ادبی تنها در قالب یک مقاله می‌تواند توان خویش برای بیانگری را نشان دهد و نقد ادبی بر پایه رویکردهای شناخته شده ای نوشته می‌شود.

نویسنده و منتقد ادبی با اشاره به رویکردهای نقد ادبی افزود: رویکردهای فراوان نقد ادبی مانند «رویکرد فرمالیستی»، «رویکرد روانشناختی»، «رویکرد اسطوره شناختی»، «رویکرد مارکسیستی»، «شالوده شکنی ژاک دریدا»، «رویکرد تاریخ‌گرایی نوین» و «رویکرد پسا استعمار» همه ساخته اندیشه حاکم بر ذهنیت گروهی اندیشمند بوده است که توانسته اند افکار خویش را در یک دوره زمانی و تاریخی، روشی برای بیانگری نویسندگان نقد و کمکی به خوانندگان آثار ادبی بنمایند.

باقری حمیدی با بیان اینکه نقد ادبی کمکی به درست خواندن ادبیات است، اظهار داشت: نقد ادبی در جایگاهی بین ادبیات خلاق و خوانندگان قرار دارد، هر نقدی بر یک اثر ادبی، گزارشی از یک خواندن است که توسط یک خواننده یا نویسنده انجام گرفته است.

وی خاطرنشان کرد: نقد ادبی در جامعه ای رشد می یابد که در آن جامعه «آزادی بیان» وجود داشته باشد و هیچ نویسنده‌ای نوشته خود و دوستانش را از تمام نوشته ها برتر نپندارد.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: نقد ادبی یکی از عالی ترین جلوه‌های پویایی فکر بشر است که در جامعه ای پویا رشد می‌کند. عبداله باقری حمیدی وضعیت نقد ادبی در ایران را پیروی از فضای فرهنگی کشور دانست و ادامه داد: نقد ادبی در ایران با کتاب «طلا در مس» رضا براهنی آغاز شد، کتاب «طلا در مس» در دهه چهل خورشیدی چاپ شد و تاثیر شگرفی بر ادبیات ایران گذاشت.

وی ابراز داشت: پس از انقلاب نیز در سال 1370 با انتشار کتاب «ساختار و تاویل متن» از بابک احمدی، توجه اندیشوران و افراد دانشگاهی به نظریه های ادبی گرایش یافت.

وضعیت ادبیات در ایران دچار انحطاط است

باقری حمیدی، نویسنده و منتقد ادبی خاطرنشان کرد: پس از بابک احمدی و در دهه هشتاد افراد نادری همچون «مراد فرهادپور» تلاش مناسبی در شناساندن نظریات داشته اند و ترجمه و چاپ کتاب‌های تاریخ از «یرواند آبراهامیان» نیز تاثیر شگرفی در بازخوانی تاریخ معاصر ایران و تاریخ دوره قاجار دارد.

وی افزود: گسترش چنین افکاری در میان کتاب خوان های جامعه، فضا را برای گسترش نقد ادبی نیز آماده می کند.

این استاد دانشگاه با اشاره به وضعیت ادبیات کنونی ایران گفت: در حال حاضر وضعیت ادبیات در ایران دچار انحطاط است و جامعه خوانندگان با ترجمه های نویسندگان و اندیشمندان غربی سرگرم است و در شهرهای آذربایجان نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران جلسات دوستداران کتاب، نقد ادبی و مثنوی خوانی و شعرخوانی فراوانی برگزار می‌شود، که حتی در شرایط بی محتوایی و تفریحی، برای درس خوانده‌ها لازم است.

وی ابراز داشت: در این جلسات باید آثار پیش از چاپ شدن به بحث گذاشته بشوند و پس از رفع ایرادهای ساختاری به چاپ برسند.

نویسنده و منتقد ادبی برگزاری جلسات نقد را فرصتی برای فارغ التحصیلان رشته ادبیات دانست و افزود: این جلسات تنها فرصتی برای فارغ التحصیلان رشته ادبیات است که از وضع چاپ کتاب و نظریات رایج در دنیای ادبیات آشنا شوند، چرا که آنها به دلیل نبود آثار ادبی در ایران جلسات ناگزیر به نقد آثار خارجی می‌پردازند.

باقری حمیدی خاطرنشان کرد: برای گسترش نقد ادبی به نشریات ویژه نقد ادبی نیاز است که متاسفانه امروزه در ایران حتی یک نشریه نقد ادبی وجود ندارد.

وی همچنین در ادامه با بیان این مطلب افزود: در حال حاضر در آذربایجان نشریات دچار آشفتگی شدید هستند و بیشتر به فکر سرپا نگه داشتن خود هستند که چنین وضعی سبب شده که نشریات یا به نهادهای حکومتی وابسته باشند و خواننده‌ای نداشته باشند و یا به «آگهی‌نامه» تبدیل شوند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: تنها انتشار نشریات مناسب ادبیات در جامعه می‌تواند فضای فرهنگی لازم برای رشد ادبیات و نقد ادبی را پدید آورد.

وی خاطرنشان کرد: ادبیات و نقد ادبی برجسته ترین جلوه‌ی فرهنگی یک جامعه هستند و هنگامی که در کشوری «رُمان»، «مجموعه داستان کوتاه» باید حاکم شدن «انحطاط فرهنگی» در کشور را پذیرفت.

نویسندگان و منتقدان آذربایجان پرچمدار و بنیان گذاران نقد نوین ادبی در ایران بودند

صالح سجادی، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی تبریزی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه نویسندگان و منتقدان آذربایجان پرچمدار و بنیان گذاران نقد نوین ادبی در ایران بودند، اظهار داشت: زمانی به تبع وجود بزرگانی همچون دکتر رضا براهنی و برخی دیگر از نویسندگان و منتقدان آذربایجان پرچمدار و بنیان گذار نقد نوین ادبی در ایران بود، اما امروزه متأسفانه در این زمینه حرفی برای گفتن نداریم.

سجادی با اشاره به وضعیت نقد ادبی و جایگاه آذربایجان شرقی افزود: زمانی که وضعیت اسفناک باشد در حقیقت جایگاهی هم نداریم، در کشورهای دیگر کتاب ها قبل از چاپ نقد می شوند، اما متأسفانه در ایران و به تبع آن آذربایجان بعد از چاپ کتاب نقد می کنند.

وی ادامه داد: وضعیت اسفناک فعلی مساله شخصی و یا مشکل نهاد یا ارگان خاصی نیست و علت این امر به سلیقه افراد برمی گردد.

شاعر، نویسنده و منتقد ادبی تبریزی همچنین در ادامه افزود: اگر نویسنده ای بخواهد قبل از چاپ کتاب جلسه نقد برگزار کند با منع قانونی مواجه می شود.

سجادی خاطرنشان کرد: نقد ادبی نخست در زمینه شعر بود اما اکنون با مدرن شدن و گسترش و پیچیدگی این مبحث دیگر به نوعی تبدیل به هژانری مستقل از شعر یا داستان در ادبیات شده و جهانی برای خود ساخته است و به نوعی این شعر یا داستان است که کم کم خود را نیازمند این ژانر ادبی می بیند.

چاپلوسی برخی از منتقدان ادبی اصلی ترین آفت در نقد ادبی است

وی با اشاره به آفت های نقد ادبی در استان افزود: برخی از منتقدان در نقد ادبی شعرای خاص چاپلوسی می کنند.

شاعر، نویسنده و منتقد ادبی تبریزی با بیان اینکه برخی از شعرا منتقدان ادبی را قبول ندارند، افزود: در نقد ادبی منتقدان ادبی شعرا را یا تایید می کند یا ایراد می گیرند و متأسفانه تقریباً همه شاعرها تایید کردن آثار خود را توسط منتقدان قبول می کنند.

سجادی با بیان این مطلب ابراز داشت: برخی از منتقدان ادبی با انتقاد زننده خود باعث گریز شعرا از انجمن های ادبی می شوند، و علت آن طبیعی ترین شکل انتقاد است.

وی ادامه داد: گریز شاعر از مکان های نقد مشکل شعرا است، ما ملتی هستیم که به ادبیات شفاهی بیشتر پرداخت می کنیم و زیاد اهل نوشتن نیستیم و منتقد ادبی را یک فرد مزاحم می دانیم و اعتقادی به آن نداریم.

شاعر، نویسنده و منتقد ادبی تبریزی گفت: برخی از منتقدان ادبی نظرات شخصی از خود را به اشعار یا داستان ها وارد می کنند و این امر باعث می شود که شعرا از منتقدان فراری باشند، شاعر اگر با اصول اولیه نقد ادبی آشنایی داشته باشد می تواند نقد صحیح را از نقد مغرضانه تشخیص دهد.

با توجه به اینکه در زمان های گذشته نویسندگان و منتقدان آذربایجانی پرچمدار و بنیان گذاران نقد نوین ادبی در ایران بودند، ضرورت دارد که به معیارهای نقد ادبی منتقدان ادبی مروری دوباره داشته باشیم تا با تخصص در حوزه نقد بتوانیم جایگاه خود را در این عرصه بازبایی کنیم.

.....
گزارش از زهرا ناصران